

سرمایه اجتماعی نیازمند بازسازی است



اشاره:

مدیرعامل شرکت فرش درسای کویر کاشان، آینده صنعت نساجی را بسیار روشن توصیف می‌کند و ادامه می‌دهد: «هر چند با دشواری‌های بسیاری روبرو هستیم اما باید به آینده نگاه امیدوارانه داشته باشیم. البته دولت و حاکمیت باید توجه ویژه‌ای به این صنعت نمایند.»

به اعتقاد دکتر استاذزاده «سیر صنعتی شدن کشورهای پیشرفته، از رشد و توسعه صنایع نساجی به‌عنوان صنعت پیشران و پس از آن صنعت پوشاک، نشأت گرفته و در واقع تولید صنایع نساجی، مسیر را برای صنعتی شدن آنها هموار کرده است. متأسفانه امروز تولیدکنندگان پوشاک کشور، تولیدات خود را به ترکیه یا سایر کشورهای هم‌جوار برده و به‌عنوان ساخت ترکیه و برند خارجی به فروش می‌رسانند در حالی که تجار و تولیدکنندگان در این فکر هستند که چگونه می‌توانند صنعت نساجی را به جایگاه اولیه بازگردانند.»

وی اذعان می‌نماید: شواهد ۴۰ سال اخیر نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی که هنگام پیروزی انقلاب در ایران به شدت بالا رفته بود تا سال‌های پایانی جنگ نیز در حد قابل قبولی قرار داشت اما به تدریج کاهش پیدا کرد و در سال‌های اخیر به سطح بسیار پائینی رسیده اما جای بسی خوشحالی است که پس از ۴۰ سال از زبان شخص دوم مملکت یعنی آقای روحانی شنیدیم که باید در جهت اعتماد از بین رفته بین مردم و کاهش سرمایه اجتماعی قدم برداریم. امیدوارم این تصمیم با قاطعیت اجرا شود.»
متن این گفت‌وگو را ملاحظه می‌نمایید:

گفت‌وگو با دکتر احمد رضا استاذزاده - مدیرعامل شرکت فرش درسای کویر کاشان

۴ بیوگرافی و فعالیت در صنعت نساجی

متولد سال ۱۳۴۹ در شهرستان کاشان هستم. در مقطع کارشناسی رشته حسابداری، مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی (گرایش مالی) و مدرک دکتری رشته مدیریت (کسب و کار) تحصیل کرده‌ام. در حین تحصیلات دانشگاهی، علاقه به مسائل اقتصادی باعث شد به مدت ۱۵ سال در حوزه‌های مختلف اقتصادی به مطالعه بپردازم. همزمان با تحصیل از سال ۱۳۶۸ در کارگاه تابندگی بود و چله قالی‌های دستباف در کنار پدر بزرگوارم مشغول به فعالیت شدم. در سال ۱۳۷۴ در فرش سپهر کاشان به‌عنوان مدیر مالی و عضو هیئت مدیره استخدام شدم و تا سال ۱۳۹۴ به همکاری در این مجموعه ادامه دادم.

همزمان با فعالیت در فرش سپهر کاشان به همراه برادر و یکی از دوستان، اولین مجموعه فرش ماشینی به صورت مشارکتی در سال ۱۳۷۷ به بهره‌برداری رساندم و در سال ۱۳۹۴، «فرش درسای کویر کاشان» را تأسیس و در مدت زمان بسیار کوتاهی ماشین‌آلات از خارج کشور خریداری و به بهره‌برداری

رسید. (لازم به ذکر است این شرکت کاملاً شخصی می‌باشد.)

۴ دهه ۷۰ که به طور حرفه‌ای وارد صنعت فرش ماشینی شدید، وضعیت صنعت نساجی چگونه بود؟

برای این که وضعیت صنعت نساجی را توضیح دهم؛ لازم است بگویم سیر رشد و تحول صنعت نساجی که از قبل انقلاب شروع شده بود، بعد از انقلاب نیز ادامه داشت به طوری که طبق آمار تعداد پروانه‌های بهره‌برداری بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸، حدود ۶۵ درصد رشد را تجربه کرد و این امر نشان می‌دهد متوسط رشد به بهره‌برداری رسیدن صنعت نساجی دو برابر میانگین کل صنایع بوده است.

پس از جنگ، تمرکز به روی طرح‌های نیمه تمام قبلی بود و ظرفیت‌های جدیدی برای گسترش ایجاد نشد، به همین دلیل در اواخر دهه ۷۰، تقاضا در داخل، افزایش ولیکن توان صنایع نساجی برای پاسخگویی به این تقاضا کاهش یافت در نتیجه زمینه برای واردات و قاچاق مهیا شد.

شواهد ۴۰ سال اخیر نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی که هنگام پیروزی انقلاب در ایران به شدت بالا رفته بود تا سال‌های پایانی جنگ نیز در حد قابل قبولی قرار داشت اما به تدریج کاهش پیدا کرد و در سال‌های اخیر به سطح بسیار پائینی رسیده است

در دهه ۷۰ برای صنعت فرش ماشینی مخصوصاً در کاشان، هنوز شرکت‌های بزرگی چون «صنایع فرش راوند»، «مخمل و ابریشم کاشان» به صورت دولتی و سهامی عام به تولید ادامه می‌دادند و تعداد محدودی واحد فرش ماشینی به صورت خصوصی با حاشیه سود نسبتاً بالا و تقاضای خوب با ماشین‌های ساخت کاشان که با تکیه بر خلاقیت مهندسين ایرانی ساخته می‌شد؛ در حال افزایش بود. تنوع محصولات بسیار کم ولی دسترسی به مواد اولیه آسان بود، تحریم‌ها صنایع نساجی را در بر نمی‌گرفت و نساجی از این بابت با مشکلی مواجه نبود. به اعتقاد من در دهه ۷۰ و ۸۰ مهم‌ترین عامل رشد صنعت نساجی صرف‌نظر از سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی، بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی بود که به گمان من حتی از سرمایه اقتصادی مهم‌تر است.

سرمایه اجتماعی به چه معناست و در حال حاضر وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور چگونه است؟ اصولاً عوامل کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی را در چه مواردی می‌دانید؟ سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه قوانین، هنجارها و ارزش‌هایی که در قلب‌ها و اندیشه‌ها نوشته شده است و بر رفتارهای اجتماعی آنان نظارت و حاکمیت دارد یا به بیانی دیگر، «سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت، اعتماد و همیاری» سرمایه اجتماعی در اقتصاد موجب می‌شود تمام بازیگران اقتصادی در یک تعامل سازنده بتوانند منفعت معقولی ببرند و عبور کنند سرمایه اجتماعی می‌تواند در نقش روغن (تسریع‌کننده) اقتصاد، هزینه مبادله را کاهش و ارتباط منطقی بین سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی ایجاد کند. زمانی که میزان سرمایه اجتماعی در جامعه زیاد باشد، کلیه افراد جامعه با اعتماد، همیاری و مشارکت چرخ اقتصاد را به حرکت درآورده و موجب تعامل میان آنان می‌شود. همکاری و مشارکت آنها را نیز تسهیل و کم‌هزینه می‌کند. کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی معمولاً آثار و علائمی دارد که به راحتی قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست ولیکن کنش‌های منفی راحت‌تر از کنش‌های مثبت قابل مشاهده هستند.

شواهد ۴۰ سال اخیر نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی که هنگام پیروزی انقلاب در ایران به شدت بالا رفته بود تا سال‌های پایانی جنگ نیز در حد قابل قبولی قرار داشت اما به تدریج کاهش پیدا کرد و در سال‌های اخیر به سطح بسیار پائینی رسیده است. هر چند این کاهش به طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست اما با مشاهده شاخص‌های مربوط به ناهنجاری‌های اجتماعی بیانگر چنین روندی در ایران است، مواردی همچون تعدد پرونده‌های قضایی، بالا بودن میزان طلاق در جامعه، وقوع جرایم عمدی، افزایش تعداد زندانیان در کشور، وجود چک‌های برگشتی (بدون محل)، خودکشی، اعتیاد، تصادفات رانندگی، معوقات بانکی، عمر کوتاه جاده‌ها در ایران، مهاجرت دانشجویان المپیادی با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان بر روی آنها به خارج از کشور، آتش گرفتن بعضی از خودروهای وطنی، تخریب صندلی‌های ورزشگاه‌ها پس از اتمام یک مسابقه و ده‌ها مورد دیگر. در نتیجه سرمایه اجتماعی نیازمند بازسازی است و این بازسازی به نوبه خود به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ نیاز دارد. عفو عمومی می‌تواند نخستین پروژه بزرگ برای بازسازی محسوب شود؛ پروژه‌هایی که هم ظرفیت حکومت را منعکس می‌کند و هم زیربنای تعامل ملی جدیدی را در جامعه بنیان می‌گذارد.



وضعیت فعلی صنایع نساجی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به اعتقاد شما مهم‌ترین معضل این روزهای صنعت نساجی، چیست؟

همزمان با جهانی شدن صنعت نساجی، تجارت جهانی منسوجات از اهمیت خاصی برخوردار شده است، با این حال امروزه صنعت نساجی و پوشاک ایران به عنوان یک صنعت قدیمی، کهن و اشتغال‌زا با مشکلات و معضلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند.

طبق پژوهش انجام شده توسط معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران، در یک دوره ۱۰ ساله (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳) صنعت نساجی در وضعیت خوبی قرار نگرفته است. از این نکته غافل نشویم که سیر صنعتی شدن کشورهای پیشرفته، از رشد و توسعه صنایع نساجی به عنوان صنعت پیشران و پس از آن صنعت پوشاک، نشأت گرفته و در واقع تولید صنایع نساجی، مسیر را برای صنعتی شدن آنها هموار کرده است. متأسفانه امروز تولیدکنندگان پوشاک کشور، تولیدات خود را به ترکیه یا سایر کشورهای هم‌جوار برده و به عنوان ساخت ترکیه و برند خارجی به فروش می‌رسانند در حالی که تجار و تولیدکنندگان در این فکر هستند که چگونه می‌توانند صنعت نساجی را به جایگاه اولیه بازگردانند.

به اعتقاد من می‌توان مشکلات صنعت نساجی را به شرح زیر اعلام کرد:

• رکود بازار: متأسفانه بیشتر صنایع و کسب‌وکارها با آن مواجه هستند و می‌توان برای آن راهکارهایی ارائه نمود.

• کمبود نقدینگی: با توجه به گرانی ارز از ۳۷۰۰ تومان به حدود ۱۰ هزار تومان، نیاز شرکت‌ها به نقدینگی حدود سه برابر شده است.

• قاچاق محصولات نساجی
• کمبود مواد اولیه که باعث بهره‌وری پائین، افزایش قیمت تمام شده محصولات و از دست رفتن سهم بازار شده است.

• مشکلات مربوط به قانون کار: کارگر برای ۱۲ ماه حقوق می‌گیرد اما کارفرما حدود ۲۴ ماه حقوق می‌پردازد. (۳۰ درصد بیمه تأمین اجتماعی، دو ماه

عیدی، یک ماه سنوات، دو ماه تعطیلات رسمی، یک ماه تعطیلات غیر رسمی و ...)

• فقدان فضای مناسب کسب و کار داخلی
• عدم جذب سرمایه‌گذار خارجی

• کم‌اطلاعی تولیدکنندگان نسبت به نیاز مشتریان
• کم‌توجهی به تعیین تعرفه منطقی برای واردات مواد اولیه مورد نیاز واحدهای صنعتی

• دریافت عوارض و مالیات‌های مختلف واحدهای تولیدی مانند مالیات بر ارزش افزوده و ... که کمر صنعت نساجی را می‌شکند.

• عدم تشویق صادرکنندگان و تولیدکنندگان
• سرکوب‌برند، دخالت دولت در قیمت‌گذاری و اعمال قوانین محدودکننده

۴ راهکار شما برای رفع رکود بازار چیست؟

برای خروج از رکود، راه‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان به راهکار ۱۸ اقتصاد دان که چندی قبل به آقای رئیس‌جمهور طی نامه‌ای، اعلام کردند، توجه نمود.

به اعتقاد من در شرایط فعلی توجه به این موارد در خروج از رکود موثر هستند:
• صادرات

• توسعه صنعت گردشگری و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای آن (گردشگری سیاحتی، زیارتی، درمانی و پزشکی و ...)

• دعوت از ایرانیان خارج از کشور و انتقال سرمایه‌های هنگفت آنان به داخل به نظر اینجانب، عفو عمومی می‌تواند مقدمه این انتقال سرمایه باشد و اعتماد آنان را افزایش دهد.

• عدم اصرار دولت به تورم تک‌رقمی
• قطع یارانه‌های نقدی برخی افراد و حامل‌های انرژی و پرداخت آن به تولید

• جلوگیری دولت و حاکمیت از رانت و مبارزه شدید با آن

• کاهش نرخ مالیات. متأسفانه در کشوری که رکود بالاست، نه تنها نرخ مالیات پائین آورده نمی‌شود بلکه از طرق مختلف به صاحبان کسب و کار فشار می‌آورند.

• تشویق مردم به سرمایه‌گذاری به خصوص در بورس
• توجه ویژه به بنگاه‌های کوچک و زودبازده

• استفاده از نیروی کار رقابت‌پذیر
• سیاست‌های پولی انبساطی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شوند.

• بازسازی سرمایه اجتماعی

۴ سیاست آزادسازی نرخ ارز و آزادسازی قیمت مواد اولیه در بازار داخل چه تأثیری بر فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط گذاشت؟

دولت‌ها همواره بر کنترل نرخ ارز تأکید داشته و چاره کار را پائین نگه داشتن قیمت ارز و پیشگیری از ایجاد بحران‌های روانی ناشی از آن می‌دانند. نرخ ارز از مباحثی است که از سال‌های اول انقلاب تاکنون با شدت‌های کم یا زیاد، اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده است و به جز مقطعی کوتاه در دهه ۸۰، کنترل جدی از سوی بانک مرکزی در چارچوب سیاست‌های پولی و ارزی اعمال شده است.

روند افزایش نرخ ارز، روندی ناپایدار و غیرقابل کنترل بوده است. هیچ‌گاه دولت‌ها اجازه ندادند روند منطقی و مناسبی را طی کند و تمام تلاش خود را در کنترل نرخ ارز به عمل آورده‌اند. سوال اینجاست که با چه منطقی، زمانی که در داخل کشور تورم وجود دارد، قیمت ارز ثابت نگه داشته می‌شود. قیمت ارز در دوره جدید تابع فرمول زیر است:

(نرخ تورم ارز - نرخ تورم داخلی) × قیمت ارز در دوره گذشته

با فرمول فوق، نرخ واقعی دلار در ایران باید حدود ۷ هزار تومان باشد و قیمت فعلی کاذب است چون دولت نمی‌گذارد روند طبیعی خود را طی کند به همین دلیل مدتی پیش شاهد افزایش لحام گسیخته قیمت ارز تا ۱۸ هزار تومان بودیم.

بعضی از منافع و آثار منطقی کردن قیمت ارز که برای صنایع تولیدی و اقتصاد ایران مفید است، عبارتند از:

• افزایش نرخ ارز باعث بالا رفتن قیمت واردات و رقابت‌پذیر شدن کالاهای داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی می‌شود.

• افزایش نرخ ارز باعث افزایش اشتغال در خارج از

هرچند تحریم داخلی و خارجی دو مقوله متفاوت و جداگانه محسوب می‌شوند اما طی چند ماه اخیر خودتحریمی‌ها مقدم بر تحریم‌های خارجی شده‌اند به این معنی که اگر ۱۳ آبان شاهد بازگشت تحریم‌های خارجی بودیم، تحریم‌های داخلی از اردیبهشت امسال افزایش پیدا کردند!

کشور شده و نیروی کار خارجی کمتر تمایل به کار در داخل کشور دارد و به نوعی بیکاری کاهش پیدا می‌کند

• افزایش نرخ ارز، تولید کالا در کشور را اقتصادی کرده و میل به سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.
• حرکت تدریجی نرخ ارز و منطقی شدن آن با توجه به نرخ تورم از بروز شوک‌های قیمتی در بازار پیشگیری کرده و تکانه قیمتی شدید نخواهیم داشت.
• پائین نگه داشتن نرخ ارز از بروز بیماری هلندی در اقتصاد پیشگیری نمی‌کند.

• واقعی شدن نرخ ارز موجب گرانی تقاضا از کالای خارجی به کالای داخلی شده و رونق تولید داخل را در بر خواهد داشت.

• منطقی شدن قیمت ارز موجب اطمینان خاطر بیشتر سرمایه‌گذار خارجی می‌شود و افزایش قدرت رقابتی صادرکنندگان، جذب سرمایه خارجی را به همراه خواهد داشت.

• کاهش نرخ ارز باعث ارزانی گردشگری خارجی می‌شود و سالانه میلیون‌ها نفر برای مسافرت به خارج از کشور می‌روند و باعث اتلاف منابع ارزشی می‌شوند. (همان‌طور که در شش ماهه اول امسال شاهد آن بودیم)

به طور کلی می‌توان گفت آزادسازی منطقی نرخ ارز برای بنگاه‌های کوچک و بزرگ مفید خواهد بود و تأثیر آن در آینده ملموس‌تر خواهد شد.

۴ در مورد نرخ تورم و اثرات آن بر صنایع کشور (از جمله صنعت نساجی) توضیحاتی ارائه نمایم.

به نظر من هر پدیده یا عملی در جامعه باید حتی به مقدار اندک، وجود داشته باشد از ناهنجاری‌های

اجتماعی مخرب تا هنجارهای اجتماعی مطلوب. به این دلیل که وقتی کودکی به دنیا می‌آید، انواع میکروب‌ها را تحت عنوان واکسن به وی تزریق می‌کنند تا بدن کودک به عنوان یک موجود زنده در مقابل میکروب‌ها، مقاوم و متعادل شود. در مباحث اقتصادی هم تورم باید وجود داشته باشد کما این که در کشورهای توسعه یافته میزان تورم حدود ۲ تا ۵ درصد است اما بحث مهمی که در ایران مورد توجه قرار نگرفته، این است که کشور ما در طول تاریخ شاهد تورم دو رقمی بوده است.

در ابتدای دولت آقای روحانی که تورم ۴۵ درصدی را تحویل گرفت، سعی ایشان تمرکز بر واقع شدن نرخ ارز تک‌رقمی بود که متأسفانه تمام اقدامات دولت بر این اساس استوار شد.

به گمان من، بهتر بود مشاور اقتصاد رفتاری در کنار رئیس‌جمهور وجود داشت تا به ایشان متذکر شود در رفتار ایرانیان تورم ۲ درصد ملموس است و در پایان هر سال، ایرانی‌ها می‌گویند در سال جدید، اجناس حداقل ۲۰ درصد گران خواهد شد، ایشان بایستی نرخ تورم را در حد ۲۰ تا ۲۵ درصد نگه می‌داشت تا طی دو سال پس از تبدیل رکود به رونق، اقدامات موثر در مورد تورم تک‌رقمی اجرا شود.

۴ با این اوصاف دیدگاه شما در مورد حذف صفر از پول ملی چیست؟

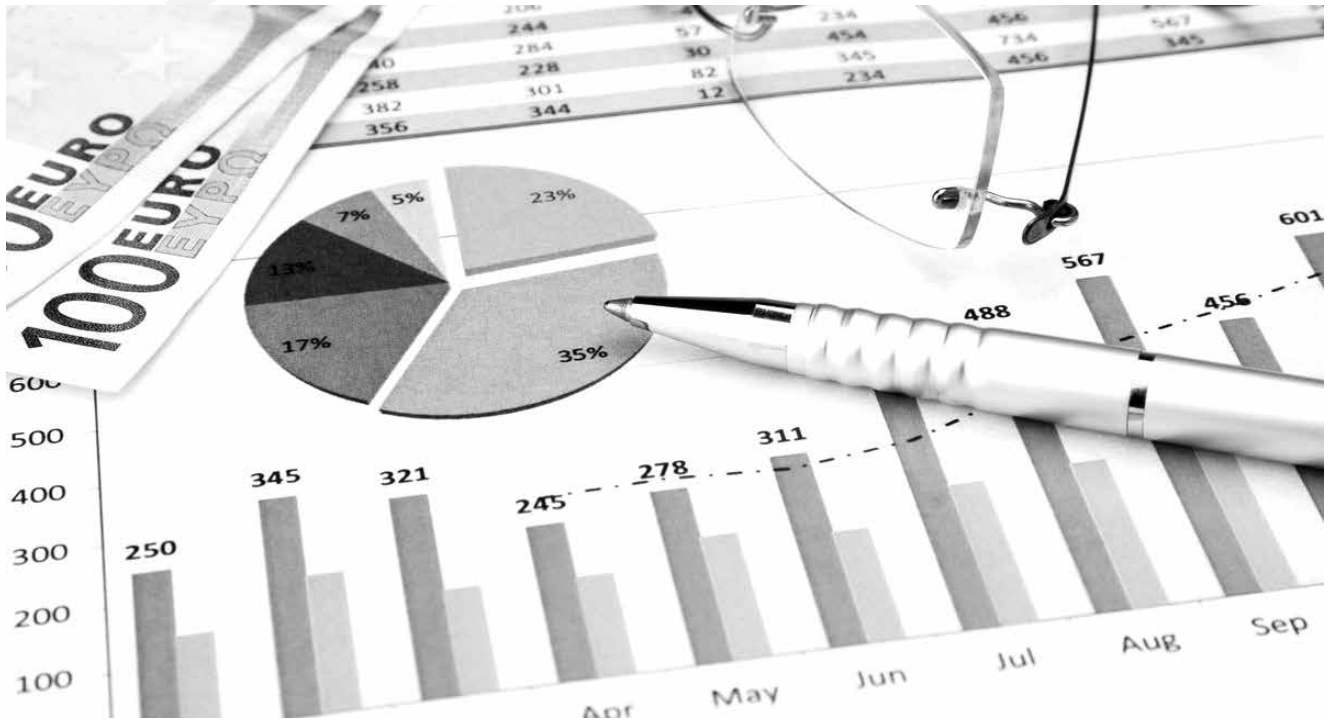
اگر دولت در شرایط فعلی این کار را انجام دهد، بدترین تصمیم اقتصادی خواهد بود که پس از انقلاب گرفته شده است. دولتمردان ابتدا باید تورم را مهار کنند آن‌گاه به فکر حذف صفر از پول ملی بیفتند! دهه ۷۰ ترکیه وضعیت اقتصادی مساعدی نداشت و ارزش پول ملی آن شدت بسیار پایین بود. در این زمان تورگوت اوزال، دست به اصلاحات گسترده اقتصادی زد، تعداد کارمندان سازمان‌های دولتی را کاهش داد، به تقویت صنعت گردشگری پرداخت، رشد اقتصادی ترکیه را به ۷ درصد رساند. نرخ تورم را تک‌رقمی و در نهایت شش صفر از پول ملی کم کرد. اما در ایران هنوز در مورد تورم ۲۵ تا ۵۰ درصدی بحث داریم...

۴ یعنی نیازمند یک تورگوت اوزال ایرانی هستیم تا چنین اقداماتی در اقتصاد کشور انجام دهد؟
قطعاً در کشور ما اقتصاد دانان به مراتب مسلط‌تر و بهتر وجود دارند اما مشکل اینجاست که به آنان میدان فعالیت داده نمی‌شود. ۱۰ سال پیش، حجم کل صادرات لهستان حدود ۵ میلیارد دلار بود یک اقتصاد دان حرفه‌ای و توانمند لهستانی برای اصلاح شرایط اقتصادی این کشور، ابتدا ۴ میلیون نفر کارمند نهادهای دولتی را با پرداخت حقوق تا زمان اشتغال مجدد از کار اخراج و اعلام کرد هر کسی کسب و کار مستقل راه‌اندازی کند، مشمول دریافت امکانات و تسهیلات دولتی خواهد شد. به این ترتیب شرکت‌های بخش خصوصی یکی پس از دیگری فعالیت خود را آغاز کردند و کارمندان اخراجی دولت، جذب این شرکت‌ها شدند و صادرات لهستان به ۱۵۰ میلیارد دلار رسید...

۴ تحریم‌های بین‌المللی را تا چه میزان بر صنعت نساجی اثرگذار می‌دانید و تحقق برجام تا چه میزان در توسعه تعاملات بین‌المللی ایران با دنیا موثر بود؟

تحریم از هر نوع برای کشور مشکل‌ساز است و این اعتقاد که «در صورت تحریم، خودساخته خواهیم شد» را نمی‌پذیریم. برجام فرصت بسیار خوبی بود و طی آن تحریم‌ها تا حدودی کاهش یافت. ۱۲ سال تحریم باعث شده بود از سیستم بانکداری روز دنیا عقب بمانیم و هیچ ارتباطی با شبکه گسترده مالی جهان نداشته باشیم. در زمان برجام، تولیدکنندگان فرش ماشینی توانستند ماشین‌آلات مدرن فرش‌بافی وارد کشور کنند و خطوط تولید را مورد نوسازی و بازسازی قرار دهند اگرچه بازگشت اعتماد طرفین خارجی نسبت به ایران، زمان‌بر بود، همین موضوع مستمسک برخی دلواپسان داخلی شد و متأسفانه حرکات و صحبت‌های آنان از یک‌طرف و از طرف دیگر توطئه‌ها و اقدامات کشورهایمانند آمریکا باعث لغو برجام شد.

پس از بازگشت تحریم‌ها با مشکلات جدی در زمینه واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات مدرن مواجه



✳️ در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، نسل جوان با شور و امید به تحصیل می‌پردازند. پس نباید اجازه دهیم از ورود به صنعت نساجی مأیوس شوند.

۴ نکته پایانی

نساجی از تولید تا مرگ همراه انسان است. مهم‌ترین عاملی که در حال حاضر می‌تواند به اقتصاد ایران کمک کند، بازسازی سرمایه اجتماعی است. جای بسی خوشحالی است که پس از ۴۰ سال از زبان شخص دوم مملکت یعنی آقای روحانی شنیدیم که باید در جهت اعتماد از بین رفته بین مردم و کاهش سرمایه اجتماعی قدم برداریم. امیدوارم این تصمیم با قاطعیت اجرا شود.

مطلب پایانی این که جهان به دنبال انرژی‌های جایگزین است و در سال‌های آینده نیاز دنیا به نفت کاهش و حتی در حد بسیار پائین قرار خواهد گرفت پس ایران نیازمند صنایعی است که بتواند چرخ اقتصاد کشور را بچرخاند و اشتغال‌زا و دارای ارزش افزوده بالا باشد، یکی از این صنایع، نساجی است که نیازمند حمایت اتحاد جامعه، دولت و حاکمیت است.

به امید فرا رسیدن چنین روزی...

✳️ تعرفه بالای مواد اولیه محصولات نساجی
✳️ محصولات پتروشیمی از مواد اولیه صنعت نساجی است که در چند ماه اخیر شاهد کمیابی و گرانی آن بودیم.

✳️ نوسانات تصمیم‌گیری، واقعاً تأثیر مخربی بر اقتصاد کشور به خصوص صنعت نساجی وارد کرده است تا جایی که رهبر معظم انقلاب، در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود به آن اشاره فرمودند.

۴ و پیش‌بینی شما از آینده صنعت نساجی؟

به اعتقاد من، آینده صنعت نساجی بسیار روشن است هر چند با دشواری‌های بسیاری روبرو هستیم اما باید به آینده نگاه امیدوارانه داشته باشیم. البته دولت و حاکمیت باید توجه ویژه‌ای به این صنعت نمایند زیرا:

✳️ هزینه ایجاد یک شغل در صنعت نساجی، ۳۰ درصد هزینه ایجاد یک شغل در صنایع دیگر است و با تولید کالاهای باکیفیت و صادرات آن، ارزش افزوده بیشتری وارد کشور می‌شود.

✳️ تعرفه محصولات نساجی وارداتی باید بالا و تعرفه مواد اولیه نساجی پائین باشد تا تولیدکننده با حداکثر توان به تولید ادامه دهد.

شده‌ایم اگرچه با تکیه بر ۱۲ سال تحریم، تجاربی کسب کرده‌ایم برای مثال دولت کمیته تهاتر تشکیل داده تا در مقابل صادرات نفت به چین، هند و ... بتوان مواد اولیه وارد کشور کرد اما عملاً باید با داشته‌هایمان بسازیم تا آینده چه شود، امیدوارم از این بحران به سلامت عبور کنیم...

۴ بسیاری از صنعتگران و تولیدکنندگان، تحریم‌های داخلی را به مراتب مخرب‌تر از تحریم‌های خارجی می‌دانند، دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

هر چند تحریم داخلی و خارجی دو مقوله متفاوت و جداگانه محسوب می‌شوند اما طی چند ماه اخیر خودتحریمی‌ها مقدم بر تحریم‌های خارجی شده‌اند به این معنی که اگر ۱۳ آبان شاهد بازگشت تحریم‌های خارجی بودیم، تحریم‌های داخلی از اردیبهشت امسال افزایش پیدا کردند!

دیدگاه من این است که خودتحریمی اگر نگوئیم بدتر، حداقل برابر با تأثیرات نامطلوب تحریم‌های خارجی است. اهم موارد عبارتند از:

✳️ قاچاق رقیب اصلی صنعت نساجی و پوشاک است.